



حجیت عقل مطلق نیست/ عقل در ادراک برخی از حقایق کارآمد است

حجت الاسلام جعفری در نشست تأملی در نظریه آیت الله جوادی آملی در مورد نسبت عقل و دین گفت: عقل فی الجملة توانایی کشف حقایق را دارد و حجیت عقل مطلق نیست و لذا عقل در ادراک برخی از حقایق کارآمد است.

حجت الاسلام جعفری در نشست تأملی در نظریه آیت الله جوادی آملی در مورد نسبت عقل و دین گفت: عقل فی الجملة توانایی کشف حقایق را دارد و حجیت عقل مطلق نیست و لذا عقل در ادراک برخی از حقایق کارآمد است. آنچه را عقل می شناسد یا فعل و تکوین خداست و یا قول و تشریع خدا و عقل یا قانون تکوین را کشف می کند و یا قانون تدوین را.

به گزارش خبرگزاری مهر، سی و ششمین جلسه گروه علمی فلسفه دین مجمع عالی حکمت اسلامی با موضوع تأملی در نظریه آیت الله جوادی آملی در مورد نسبت عقل و دین، برگزار شد. در این جلسه حجت الاسلام والمسلمین جعفری به این موضوع پرداخت که مؤلفه های نظریه جوادی آملی در مورد نسبت عقل و دین در کتابهای شریعت در آئینه معرفت، دین شناسی و منزلت عقل در هندسه معرفت دینی تبیین و تنویر شده است.

وی سپس در چهار بخش مبادی نظریه، تبیین نظریه، ایضاح لوازم و نقد و ارزیابی به بررسی این نظریه پرداخت که خلاصه آن اکنون از نظر شما می گذرد. در بخش مبادی، استاد به مبادی تصویری و تصدیقی بحث اشاره نمود. در ایضاح کلید واژه ها ایشان دین را مجموعه ای از عقاید، اخلاق و قوانین فقهی و حقوقی می دانند که از ناحیه خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین شده است. دین به لحاظ جنبه هستی شناختی فقط و فقط تابع اراده و جعل الهی است و لا غیر. اما مراد از عقل در این بحث عقل به معنای عام آن است که شامل همه یافته های بشری یقینی و یا اطمینان آور بشری می شود، اما نقل عبارت است از فهم بشر از وحی که البته بر خلاف وحی خطا پذیر است.

عقل فی الجملة توانایی کشف حقایق را دارد و حجیت عقل مطلق نیست و لذا عقل در ادراک برخی از حقایق کارآمد است (نقی عقل گرایی حداکثری). آنچه را عقل می شناسد یا فعل و تکوین خداست و یا قول و تشریع خدا و عقل یا قانون تکوین را کشف می کند و یا قانون تدوین را. البته عقل اولاً مراتبی دارد و میزان عقول افراد در فهم دین یکسان نیست و در ثانی عقل در فهم دین هم محدودیت دارد و همه حقایق دین با عقل قابل شناخت نیست.

خدا جاعل و خالق دین و عقل و نقل کاشف شناختی آن قلمداد می شود و از این دو راه می توان تشخیص داد که چه چیزی دین است (هر دو منبع معرفت شناختی دین اند). با این توصیف، آنچه در سطح عقل است، نقل می باشد نه وحی. عقل همتای نقل است و معرفت های عقلی هم سطح علوم نقلی اند و نه هم سطح وحی. لازمه این نظریه آن است که برای فهم دین به هر دو امر احتیاج است و با تکیه صرف بر نقل نمی توان به معارف و احکام دینی دست یافت. پس وقتی می توانیم بگوییم اسلام چنین می گوید که هر دو منبع دین یعنی عقل و نقل را به طور کامل بررسی کرده باشیم. از سوی دیگر هیچ تعارضی میان عقل و وحی و یا علم و وحی به وجود نمی آید زیرا عقل و علم داخل دین قرار دارند. لازمه دیگر آنکه میان عقل و نقل توازی هم وجود ندارد، یعنی قلمرو موضوعی آنها از هم منفک نیست. لازمه دیگر این نظریه، اسلامی شدن همه علوم است. اگر عقل حجت دینی باشد، محصولات آن در علوم مختلف به منزله معارفی دینی خواهد بود.

در پایان دکتر جعفری تأملاتی را هم از بعد مفهومی و هم از بعد محتوایی متوجه نظریه نمود که حاضران برخی را پاسخ داده و برخی را پذیرفتند.